



اخلاق اسلامی

چراغی، مبانی و معانی

مؤلفین:

محمود طاہری

مہدی کاظمیان

سرشناسه : طاهری، محمود، ۱۳۴۳-
 عنوان و نام پدیدآور : اخلاق اسلامی چرایی، مبانی و مفاهیم / مولفین محمود طاهری - مهدی کاظمیان.
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات کتاب آوا، تابستان ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۱۱۹ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۲۷۲-۴ : ۶۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 موضوع : اخلاق اسلامی
 موضوع : Islamic ethics
 شناسه نزود : کاظمیان، مهدی، ۱۳۵۶-
 ردبند - ننگره : ۱۳۹۵ الف ۱۵۱۶ ط ۸/ BP۲۴۷
 رده بندی - بوبی : ۲۹۷/۵۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۶۸۶۴۱

اخلاق اسلامی چرایی، مبانی و مفاهیم



مؤلفین:	محمود طاهری - مهدی کاظمیان
ناشر	کتاب آوا
نوبت چاپ	اول ۱۳۹۵
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
قیمت	۶۰۰۰۰ ریال
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۴۶-۲۷۲-۴

نشانی مراکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، بن بست خفایت، بلاک ۴، واحد ۴

شماره های تماس: ۶۶۹۷۴۱۳۰ - ۶۶۴۰۷۹۹۳ - ۶۶۹۷۴۶۵۰ در تهران: ۶۶۴۶۱۱۵۸

www.avabook.com Email: avabook_kazemi@yahoo.com

نشانی فروشگاه: اسلامشهر، خیابان صیاد شیرازی، روبروی دانشگاه آزاد، جنب دادگستری

شماره تماس: ۵۶۳۵۴۶۵۱

هرگونه تکثیر این اثر از طریق ارسال یا بارگذاری قابل الکترونیکی، با چاپ و نشر کاغذی آن بدون مجوز ناشر، به هر شکل، اعم از فایل، سی دی، افسیت، ریسوگراف فتوکپی، ربراکس یا وسایل مشابه، به صورت متن کامل یا صفحاتی از آن، تحت هر نام اعم از کتاب، راهنما، جزوه، یا وسیله کمک آموزشی، در فضای واقعی یا مجازی، و همچنین توزیع، فروش، عرضه یا ارسال اثری که بدون مجوز ناشر تولید شده، موجب پیگرد قانونی است.

فهرست مطالب

۹	مقدمه.....
۱۵	فصل اول: چیستی اخلاق.....
۱۶	۱- تعریف اخلاق.....
۱۶	الف: معنای لغوی.....
۱۸	ب: معنای اصطلاحی اخلاق.....
۲۲	۲- فلسفه اخلاق: منظر فیلسوفان مسلمان معاصر.....
۲۴	جایگاه اخلاق در اندیشه علامه طباطبائی.....
۳۰	۳- فلسفه اخلاق از منظر فیلسوفان معاصر غرب:.....
۳۵	فصل دوم: چرایی اخلاق.....
۳۶	مقدمه.....
۳۸	الف: چرایی اخلاق از منظر برون دینی:.....
۳۸	اخلاق و سیاست:.....
۴۰	اخلاق و اقتصاد:.....
۴۳	اخلاق و فرهنگ:.....
۴۸	ب) چرایی اخلاق از منظر دینی.....
۴۸	۱- اخلاق و ایمان.....
۴۹	الف) ایمان و مدلولات آن:.....
۵۰	ب- ارتباط متقابل ایمان و اخلاق:.....
۵۱	۲- اخلاق و صفات نفسانی عمل کننده.....
۵۷	۳- تاثیر اخلاق در حوزه‌های رفتاری:.....
۵۸	الف) اخلاق فردی:.....
۵۹	ب) اخلاق خانواده:.....
۶۱	ج) اخلاق اجتماعی.....
۶۹	فصل سوم: هستی‌شناختی اخلاق (اخلاق حرفه‌ای تا اخلاق اسلامی).....
۷۰	الف: اخلاق حرفه‌ای.....
۷۱	۱. اخلاق پزشکی.....

۷۳.....	۲. اخلاق مهندسی.....
۷۶.....	۳. اخلاق پژوهش.....
۷۷.....	ب. 'اخلاق' اسلامی.....
۷۸.....	۱- هدفمندی حیات انسان.....
۸۲.....	۲- ظرفیت سازی برای ملاقات پروردگار.....
۸۳.....	۳- توانمندی انسان برای اخلاقی زیستن.....
۸۴.....	ج: نظام نَمه اخلاقی 'سلام'.....
۸۵.....	۱- صداقت و دوری از ریا و چانه طلبی.....
۸۶.....	۲- فروختن داری و حیر.....
۸۷.....	۳- اجتناب از غیبت.....
۸۸.....	۴- توجه به اخلاق و گذشت.....
۸۹.....	۵- خردمندی و خردورشی.....
۹۰.....	۶- در نظر گرفتن اصل عدل و انصاف.....
۹۳.....	۷- تشکر از خداوند عز و جل.....
۹۴.....	۸- توجه به اصل وفای به عهد.....
۹۶.....	۹- صرفه‌جویی و دوری از اسراف.....
۹۷.....	۱۰- حسن خلق و اخلاق خوش.....
۹۹.....	د: نقش اخلاق در سیره عملی پیامبر اسلام (ص).....
۱۰۷.....	فصل چهارم: تقید یا عدم تقید زمانی و مکانی اخلاق (نسبیت و اطلاق در اخلاق).....
۱۰۹.....	الف: مبنای نسبیت اخلاقی.....
۱۱۱.....	ب: ارزیابی و نقد دیدگاه نسبی‌گرایان.....
۱۱۳.....	ج: منظور از مطلق‌گرایی.....
۱۱۵.....	د: پیامدهای مقید کردن اخلاق به زمان و مکان.....
۱۱۸.....	منابع.....

واژه اخلاق علیرغم سادگی مفهومی بسیار پیچیده محسوب می‌شود تا بدانجا که یکی از مهمترین مباحث فلسفی را به خود اختصاص داده است. اینکه اخلاق چیست و چرا انسان‌ها باید در تمام شئون زندگی بدان پایبند باشند و حتی اینکه چگونه امکان مقید نمودن افراد نسبت به انجام آن یا در نظر گرفتن آن در تمام لحظه‌های زندگی تحقق یابد، همواره در کانون توجه اندیشمندان و کارشناسان علوم مختلف قرار گرفته است. به طور کلی تنها مبنای اساسی برای مقید نمودن افراد به "خوب بودن" که غایت و هدف اخلاق تلقی می‌شود در پیوند آن با دین قابل تعریف است.

برای اثبات این مهم یعنی تربیت بنیان نهادن اخلاق بر پایه‌های دینی در این کتاب - که البته بخش عمده مطالب آن رهون تلاش علمای اخلاق است - ابتدا از چیستی خود اخلاق و تبیین هستی‌شناختی آن بحث شده است. اینکه جنبه‌های مختلف اخلاق چگونه با واژه‌هایی همچون عدالت، انصاف، حکمت، رادان، برقرار می‌کند و ساختمان می‌شوند و این شکل‌گیری یا مفصل‌بندی چگونه در کلام اندیشمندان ظهور و بروز می‌یابد در مباحث آغازین کتاب مطرح می‌شود. از این منظر کتاب در نوع خود کم نظیر است چرا که تلاش اصلی آن در جهت رهنمون شدن به شناخت بهتر اخلاق است هرچند ادعا ندارد که از عهده این مهم بطور کلی برآمده است. به همین دلیل نیز از رهیافت دین‌پای جرایب اخلاق که عمدتاً مباحث معرفت‌شناختی محسوب می‌شود بهره می‌گیرد. به کلام ساده از هست "خوب بودن" به سمت "جرایب باید خوب بودن" حرکت می‌کند تا همچون یک در سبزه بالا مورد اشاره قرار گرفت: به معضل ضمانت اجرای خوب بودن برسد. از این منظر پیوند دین و اخلاق به عنوان راهکار برون یافت معرفی می‌شود و مصادیق این پیوند را در چارچوب موازین اسلام و سیره نبی اکرم (ص) جستجو می‌کند. ارایه نمونه‌هایی عینی از رعایت اخلاق از سوی بنیان‌گذار دین مبین اسلام با هدف تبیین هرچه بیشتر مفهوم اخلاق صورت می‌گیرد تا تصویری شفاف و روشن‌تر از مفهوم اخلاق به ذهن متبادر شود. در پایان با توجه به شناخت اجمالی که مخاطب از مباحث مطرح شده در خصوص اخلاق تحصیل نمود،

موضوع نسبت یا اطلاق اخلاق به عنوان یکی از مهمترین مباحث مربوط به موضوع مورد مذاقه قرار گرفته است.

خداوند سبحان را بسیار سپاسگزاریم که توفیق نصیب فرمود تا به رغم بضاعت ناچیز قدمی هرچند ندرک در تأمین نیازهای فکری یکی از بهترین اقشار جامعه برداریم. امیدواریم لطف حق بیش از پیش شامل حال شده، موجبات تاثیرگذاری آن را خود فراهم نماید.

بدیهی است در این نوشتار کاستی‌ها و نارسایی‌هایی وجود دارد، از همه صاحب نظران رجمن اساتید کراندرد و دانشجویان عزیز که بر ما منت نهاده و نظرات خود را انعکاس می‌دهند، بیستاییش کمال تشکر و قدردانی را داریم.

محمود طاهری - مهدی کاظمیان

تابستان ۱۳۹۵

رمضان المبارک ۱۴۳۷

واژه اخلاق در زمره ساده‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مفاهیم علوم انسانی قرار می‌گیرد. در ساده‌ترین تعریف اخلاق به عنوان مفهومی بدیهی در نظر گرفته می‌شود که افراد ضمن اذعان به شناخت اجمالی آن رفتارهای عملی خود را کاملاً اخلاقی معرفی می‌کنند لیکن از منظر نظری یا هستی‌شناختی فهم اخلاق ساده به نظر نمی‌رسد و هرگونه تلاش برای ساده‌سازی و روان‌سازی فهم آن بدون در نظر گرفتن مباحث مرتبط با آن خطر تفهیل‌دراپی یا نادیده گرفتن اجزای بهم پیوسته مباحث اخلاقی را به همراه خواهد داشت. این مسکویه از اولین اندیشمندان و نظریه پردازان مسلمان قرن چهارم هجری در تعریفی ساده اخلاق را به عنوان صنعت یا روشی برای نیکو کردن رفتار انسان از آن جهت که انسان است معرفی می‌کنند. وی همچنین اذعان نموده که اخلاق حالتی انسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل آدمی را به سمت انجام کار حرکت می‌دهد؛ اما در نگرش عدلی‌تر به عمده مباحث ارائه شده از سوی ایشان در کتاب تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق تلاش و تمرین مسکویه بری تبیین جامع اخلاق کاملاً مشهود است؛ به گونه ای که نویسندۀ ناگزیر به ورود به مباحث فلسفی برای توضیح هرچه بهتر اخلاق و عملاً فاصله گرفتن از تعریف ساده خود می‌باشد. این موضوع بسیار اگر اذعان نامبرده به پیچیدگی‌های این واژه به اصطلاح ساده در تار و پود مباحث عمیق اجتماعی، فلسفی، عرفانی، دینی و حتی حقوقی است. به همین دلیل نیز کتاب ابن مسکویه متأثر از مباحث فلسفی یونان باستان در خصوص مبحث فضیلت و اخلاق، زمینه ارسطویی را در صحنه بد خود می‌گیرد. برقی نمونه او نیز همانند افلاطون معتقد است که انسان سه قوه دارد که همه با سازگاری و در سنبلند.

۱/ قوه ناطقه یا نفس ملکی

۲/ قوه غضبی یا نفس سبعی

۳/ قوه شهوی یا نفس بهیمی

و هر یک بر آن است تا بر جنبه‌های دیگر چیره شود. نیکبختی در هماهنگی بین سه قوه می‌باشد و بدبختی در ناسازگاری و ناهماهنگی قواست. روح آدمی تنها به روان خردمند یا نفس ناطقه است که او را از جانوران جدا می‌کند. پس مسکویه همچنین مانند بسیاری از

فیلسوفان مسلمان بر تنوری تعادل ارسطو تأکید دارد و معتقد است از پرورش جنبه‌ی روان یعنی خرد آدمی به فضیلت دانایی (حکمت) می‌رسد، از تهذیب قوه‌ی غضبیه فضیلت شجاعت می‌رسد و از تهذیب قوه‌ی شهویه به عفت (خویشتنداری) می‌رسد و در این میان اخلاق جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد.

خواجه نصیرالدین طوسی دیگر اندیشمند مسلمان قرن پنجم از همان ابتدای مباحث خود در خصوص اخلاق، بر پیچیدگی مباحث آن تأکید دارد وی اذعان می‌نماید این واژه فراتر از یک مفهوم اصطلاح ساده است به گونه‌ای که نشان می‌دهد چگونه نفس انسان خلقی (صفتی) را می‌توان کسب کند و در نتیجه‌ی افعالی که به اراده او صادر می‌شود زیبا و پسندیده باشد.^{۱۴} بحث پیرامون هستی‌شناسی اخلاق حتی به مباحث مختلف درون پارادایمی فلسفی نیز محدود نمی‌شود بلکه فراتر از آن در چارچوب مباحث دینی ارائه شده پیرامون اخلاق نیز قابل پیگیری و تخصص است؛ به گونه‌ای که در یک تفاوت دیدگاهی می‌توان از آن به عنوان نگاه مبانی و قاعده‌مند در برابر نگاه ابسی یا فلسفی به موضوع اخلاق تعبیر نمود. دراین‌صورت فهم اخلاق و موضوعات مرتبط با آن همچون تربیت و سعادت و ارزش و مسئولیت از منظر درون یا برون دینی در کانون توجه قرار می‌گیرد.

مطابق دیدگاه شهید مطهری می‌توان گفت «هر کس بر اساس مکتب و نوع جهان بینی‌اش اخلاق را به گونه‌ای تعریف کرده است. به عنوان مثال اخلاق که هندیان تعریف کرده‌اند با معنای اخلاق عرفا متفاوت است و یا تعریف اخلاق از دیدگاه کانت با معنای اخلاق از دیدگاه راسل فرق می‌کند. اما بطور کلی کارهایی که ما به آنها می‌گوییم کار اخلاقی فرقی با کار عادی در این است که قابل ستایش و تحسین هستند و یا به عبارت دیگر مانند حق شناسی، عفو و گذشت ارزشمند می‌باشند».

شهید مطهری در کتاب کرامت‌دور خود در خصوص اخلاق می‌نویسد؛ نگاه به اخلاق از زاویه‌ی فلسفی و شناخت فلسفه اخلاق یکی از اجزای اصلی پارادایم یا چارچوب انباشتی علم یا دانش اخلاقی تلقی می‌شود به گونه‌ای که با گذشت زمان و طرح مباحثی همچون واقع گرایی اخلاقی

^{۱۴} - خواجه نصیر الدین طوسی، فلسفه اخلاق، ناصری ص ۱۴

^{۱۵} - مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۳۳

و چستی معیارهای ارزش اخلاقی، نسبت و اطلاق در اخلاق و مسئولیت اخلاقی پس از فهم انسان از موضوعات بیشتری برای تبیین و فهم بهتر اخلاق استفاده شده است. به عبارت دیگر می توان گفت با گذشت زمان و طرح مباحث پیچیده تر در خصوص اخلاق مفصل بنیادی گفتمان یا پارادایم فلسفه اخلاق محقق گردیده است. اما در نگاه مبنایی به اخلاق می توان از آن به عنوان یک مرام نامه یا آیین زندگی مبتنی بر مبنایی زیر بنایی سخن گفت که به صورت کاربردی بهره گیری از اخلاق را به شکل هدفمند و اصولی مد نظر قرار می دهد.

در این صورت اخلاق را می توان به عنوان ویژگی یا سجایای نیکو و پسندیده مانند راستگویی و پاکدامنی در نظر گرفت و حتی از ارتباط آن با مفاهیم دیگر همچون حقوق و عرفان و فقه و تربیت در چارچوب یک نظام معنایی به نام دین سخن گفت. در این چارچوب همچنین می توان فضایل و رذایل اخلاقی را مورد توجه قرار داد و آن را به عنوان مجموعه رفتارهایی که انسان به عنوان انسان را در برآیند، دین، خدای خود مسئولیت پذیر می کند، تعریف نمود.

پرداختن به موضوعاتی همچون انسان و انسانیت و صبر و استقامت و اخلاص و شکر و حسان و عفت و عفو و گذشت امر به معروف و نهی از منکر و حتی واکنش به مسائل و مشکلات امور انسانی در برابر اغیار یا رذایل اخلاقی همچون غش، هوی نفس، طمع، حسد، تکبر، دروغ و تهمت در چارچوب یا پارادایم حداقلی یا مبنایی شناخت اخلاق مد نظر قرار می گیرد. و امکان معنادار بودن آن را تبیین می نماید.

پیشینه نگاه به اخلاق از منظر فلسفی و به عبارت دیگر تاریخ اخلاق به اخلاق برخلاف قدمت دیرینه پارادایم مبنای آن به دوران یونان در حدود ۲۵۰۰ سال قبل بازمی گردد.

هراکلیتوس و گزنوفن ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح و سپس سقراط، افلاطون و ارسطو ۳۰۰ سال قبل از میلاد زمینه ساز طرح مباحث پیچیده در این خصوص شدند.

پس از آن با ظهور اسلام و باز خوانی و احیای آثار و نوشته های فرمایش ساده یونان باستان توسط اندیشمندان مسلمان از جمله محمد غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی مبتنی بر اندیشه های اسلامی و آموزه های آن در چارچوب مباحثی همچون حسن و قبح و جبر و اختیار و ... نگاه حداکثری به مفوله اخلاق استمرار یافت.

در نهایت تفهیم درون پارادایمی اخلاق با ظهور فرا اخلاق گرایی در اوایل قرن بیستم ادامه یافت تا آن جا که یوزیتنیویست ها و نیویوزیتنیویست ها، مارکیسیست ها و نیومارکیسیست ها و پس از آن نقد صریح اصلاح و احیاگران مسلمان قرن معاصر بر غنای مباحث فلسفی مرتبط با اخلاق افزوده هر چند هم زمان نیز پیچیدگی های مباحث و در واقع رسیدن به فهم حداکثری بین مباحث مانع از فهم ساده و درک پذیر آن برای عموم شد.

برخلاف پارادایم پیچیده‌ی حداکثر گرایی که می توان از آن به عنوان پارادایم نخبه گرایی یاد نمود، سنتی پارادایم حداقل گرایی یا مبنا و مبدا گرایی تعریف اخلاق در تلاش برای فهم ساده اخلاق برای همه انسان ها اعم از عوام و خواص با ظهور انبیای الهی و جایگاه ادیان در تاریخ در ارتقاء انسانیت به همین دلیل قدمتی به مراتب بیشتر از فهم فلسفی این مفهوم دارد. پیامبر (ص) نیز حداقلی ها را باعث لاتئم مکارم (الاخلاق))^۱ تصریح نبی اکرم (ص) در خصوص هدف از انسان خود می تکمیل مکارم اخلاقی نه تنها بیانگر آغاز ارسال انبیای الهی از سوی خداوند متعال یا هدف تبیین اخلاق است بلکه بر تکمیل این فرایند از سوی نبی اکرم (ص) به عنوان آخرین فرستاده خداوند نیز دلالت دارد.

با توجه به آنچه در خصوص ویژگی های پارادایم حداقل گرایی و حداکثر گرایی در تلاش برای فهم و شناخت مقوله اخلاق گفته شد در این کتاب سعی می نمایم ضمن تلفیق عناصر دو دیدگاه مطرح از روش سوم یعنی تلفیق معرفی ساده و پیچیده اخلاق بهره ببریم.

به کارگیری روش (پنج چه) برای فهم اخلاق یعنی چه به اخلاق و چرایی اخلاق و چه جایی و چه کسی و چه زمانی اخلاق مد نظر قرار می گیرد.

جیستی و چرایی اخلاق به عنوان مبانی ترین مباحث ریشه در نگاه حداقل گرایی یا مبنا گرایی دارد. فهم موضوع اخلاق برای چه کسی یا کیستی انسان پل ارتباط میان مباحث بین پارادایمی است و زمان بندی و مکان بندی مقوله اخلاق به عنوان شاخص هایی برای مطلق یا نسبی گرایی اخلاق محسوب می شود.